



# Psychological security in the Holy Quran; From social impact to civil-criminal guarantee in Imami jurisprudence

*Mahdi Nourian<sup>1</sup>*

*Hosein Mohammadi<sup>2</sup>*



Article Type: Research

Received: 2021.4.21

Accepted: 2021.9.28

doi: 20,1001,1,25381946./SSJ.2021,97997

## *Absrtact*

Security is a valuable asset to human societies. The expansion of societies, the complexity of human relations and resource constraints, and the emergence of colonialism, exploitation, and power-seeking in recent decades have provided grounds for security decline and it has redoubled the need to pay attention to security. Islam is the most complete religion among human religions and Since one of the basic missions of jurisprudence is to regulate social relations based on the rules of Sharia, the way of guaranteeing the right to legitimacy of security has been seriously considered.

In this text, using the method of library analysis and relying on data from existing interpretations and research, among the types of security, psychological security has been studied. For this purpose, first, psychological security in the Qur'an was analyzed in terms of the necessary contexts for its formation and analysis as an effective social factor. Then, the quality of its guarantee was explained using civil and criminal methods in Imami jurisprudence and the other aspects of ensuring mental security were also examined. Findings indicate the meaning of Quranic verses on the legitimacy of the right to mental security by introducing "faith" as a source of mental security and its guarantee is in the light of the reform of social relations with the focus on the category of social trust and the research findings indicate the existence of criminal and civil methods as deterrents to prevent the occurrence of threatening and disruptive elements of psychological security in society.

## *Key Words*

Holy Quran, Psychological Security, Imami Jurisprudence, Civil Guarantee, Criminal Guarantee

---

1. Assistant Professor, Department of Islamic Jurisprudence and Law, Faculty of Law, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran (Corresponding Author), [nourian@isr.ikiu.ac.ir](mailto:nourian@isr.ikiu.ac.ir)

2. Assistant Professor, Department of Islamic Education, Faculty of Theology and Education, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran, [adi@isr.ikiu.ac.ir](mailto:adi@isr.ikiu.ac.ir)

# امنیت روانی در قرآن کریم؛ از تأثیر اجتماعی تا تضمین مدنی - جزایی در فقه امامیه

مهدی نوریان<sup>۱</sup>

حسین محمدی<sup>۲</sup>

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۷/۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۲/۱



فصلنامه مطالعات راهبردی ناجا، سال ششم، شماره ۳ (پیاپی ۲۱) - پاییز ۱۴۰۰ \* ۱۷۲-۱۵۳

doi: 20,1001,1,25381946./SSJ.2021,97997

## چکیده

امنیت دارایی ارزشمند جوامع انسانی است. گسترش جوامع، پیچیده شدن مناسبات انسانی و محدودیت منابع در کنار پدیدار شدن استعمار، استثمار و قدرت طلبی های خودکامگان در دهه های اخیر، زمینه های انحطاط امنیتی را فراهم آورده و ضرورت توجه به مقوله امنیت را مضاعف ساخته است. دین اسلام کامل ترین دین در میان ادیان بشری است و از آنجا که یکی از مأموریت های اساسی فقه، تنظیم روابط اجتماعی بر مبنای احکام شرعی است، نحوه تضمین حق مشروعیت امنیت در آن به طور جدی مورد توجه قرار گرفته است. در این نوشتار، با استفاده از روش تحلیل اسناد کتابخانه ای و با تکیه بر داده های حاصل از تفاسیر و پژوهش های موجود، از میان اقسام امنیت، امنیت روانی مورد واکاوی قرار گرفته است. به همین منظور، ابتدا امنیت روانی در قرآن از جهت زمینه های اقتضایی شکل گیری و باز تحلیل آن به عنوان عامل مؤثر اجتماعی مورد تحلیل قرار گرفت و در ادامه، کیفیت تضمین آن با استفاده از روش های مدنی و کیفری در فقه امامیه تبیین گردید و وجوه اخروی تضمین امنیت روانی نیز مورد بررسی قرار گرفت. یافته های تحقیق بیانگر دلالت آیات قرآن بر مشروعیت حق امنیت روانی با معرفی "ایمان" به عنوان مرجع امنیت روانی و تضمین آن در پرتو اصلاح روابط اجتماعی با محوریت مقوله اعتماد اجتماعی است و یافته های تحقیق حکایت از وجود روش های جزایی و مدنی به عنوان سازوکار بازدارنده برای جلوگیری از بروز عناصر تهدید کننده و محل امنیت روانی در جامعه است.

**واژگان کلیدی:** قرآن کریم، امنیت روانی، فقه امامیه، تضمین مدنی، تضمین کیفری

## مقدمه

۱. استادیار گروه فقه و حقوق اسلامی، دانشکده حقوق، دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران (نویسنده مسئول)، [nourian@isr.ikiu.ac.ir](mailto:nourian@isr.ikiu.ac.ir)

۲. استادیار گروه معارف اسلامی، دانشکده الهیات و معارف، دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران، [adi@isr.ikiu.ac.ir](mailto:adi@isr.ikiu.ac.ir)

امنیت از جمله آرزوهای دیرین بشری است که نسل‌های گوناگون انسان‌ها در تمامی اعصار و قرون همواره در جستجوی تحقق آن بوده‌اند. حوزه‌ای از فعالیت‌های بشری وجود ندارد مگر اینکه در آن، امنیت به‌عنوان رکن اصلی، ایفا‌کننده مهم‌ترین نقش است. ادراک امنیت - به‌عنوان دارایی ارزشمند جوامع انسانی زمانی - شدت می‌یابد که انسان خود را در حالت فقدان امنیت یافته و با اثرات گاه جبران‌ناپذیر آن مواجه شود. فزونی مطالعات امنیت و مطمع نظر قرار دادن آن در تحلیل‌های جامعه‌شناسانه نیز از این امر مستثنی نبوده‌است؛ زیرا گسترش جوامع، پیچیده‌شدن مناسبات انسانی و محدودیت منابع در کنار پدیدار شدن استعمار، استثمار و قدرت‌طلبی‌های خودکامگان در دهه‌های اخیر، زمینه‌های انحطاط امنیتی را فراهم آورده و ضرورت توجه به مقوله امنیت را مضاعف ساخته‌است. طبق گفته لک‌زایی، سنت مطالعات امنیتی در علوم اسلامی، سنتی است که به‌اندازه تاریخ اسلام قدمت دارد؛ زیرا فراز و نشیب‌های پیدایش اسلام، تثبیت و توسعه آن مباحث دراز دامن امنیتی را به همراه داشته‌است و همین امر موجب شده‌است تا مسئله امنیت در دوره‌های مختلف، در علوم اسلامی وارد شود؛ به‌گونه‌ای که امروزه می‌توان آن را از جنبه‌های مختلف علوم اسلامی - اعم از فلسفه و کلام، عرفان، تفسیر، حدیث و فقه - مورد واکاوی روش‌شناسانه قرار داد (لک‌زایی، ۱۳۹۴: ۱۰).

واکاوی مطالعات مدرن و همچنین، مطالعات سنتی امنیتی در علوم اسلامی بیانگر آن است که امنیت از ابعاد مختلفی برخوردار است. ابعاد امنیت، اشاره به حیطه‌هایی از زندگی انسان دارد که تلاش می‌شود بدون هرگونه نگرانی نسبت به تهدیداتی که متوجه آن حیطه‌هاست، زیست انسان تداوم یابد. برخی از مکاتب امنیت، رویکرد تقلیل‌گرایانه‌ای داشته و حیطه امنیت را در تنها بعد نظامی خلاصه کرده‌اند و مکاتب دیگر، حیطه امنیت را گسترده‌تر کرده و آن را به ابعاد اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و زیست‌محیطی سرایت داده‌اند و بر این باورند که مادامی که تهدیدی متوجه اجتماع، سیاست، اقتصاد و محیط زیست نباشد، امنیت وجود دارد (لک‌زایی، ۱۳۹۷: ۱۶).

آنچه در فرهنگ عامه از آن به امنیت روانی تعبیر می‌شود، عبارت است از آرامش و آسایش خاطر؛ بنابراین، هرگونه ایجاد خلل در وصف مذکور را می‌توان برهم زنده امنیت روانی دانست. تأیید حق امنیت روانی در اسلام از رویه‌ای ثابت برخوردار نیست. نگاه به فقه به‌عنوان برقرارکننده نظم در جامعه دینی، بیانگر رویکرد جزایی با برهم‌زنندگان امنیت روانی است. در حقیقت، اسلام در این زمینه از طریق تعریف مجرمانه بودن برخی از رفتارها، ضمن مشروعیت‌بخشی فحوائی به امنیت روانی در راستای پاسداشت و حفظ حریم این وجه از امنیت، تدابیر قانونی فراوانی را تعبیه

نموده‌است. در این راستا می‌توان به تعریف عناوین مجرمانه‌ای چون محاربه و افساد فی الارض در قانون جزای اسلام اشاره نمود. با نگاه عمیق و تحلیل عناصر تشکیل دهنده این دو جرم به لحاظ عنصر معنوی، مادی و قانونی، حراست از امنیت روانی به‌عنوان شعبه‌ای مشروع از امنیت مشهود است.

در پژوهش حاضر تلاش می‌شود تا ضمن مشخص کردن ابعاد امنیت و جایگاه امنیت روانی در آن، به سه پرسش اصلی پاسخ داده شود: ۱. مبانی مشروعیت حق امنیت روانی از منظر قرآن چیست؟ ۲. آثار اجتماعی امنیت روانی با عنایت به مبانی مستخرج چیست؟ ۳. سازوکارهای فقه اسلامی برای تضمین حق امنیت روانی چیست؟

### پیشینه تحقیق

همان‌گونه که اشاره شد، مطالعات امنیتی در سالیان اخیر بسیار گسترده شده‌است و صاحب‌نظران این حوزه تلاش دارند تا ابعاد مختلف امنیت را مورد تحلیل و بررسی قرار بدهند. از جمله شاخص‌های علوم مرتبط با امنیت، انضمامی و نه انتزاعی بودن آن و یا به تعبیر دیگر، کاربردی و قابل لمس بودن آن در سطوح مختلف جامعه است. به همین نسبت و با ایجاد شرایط و اقتضانات نوپدید برای جوامع اسلامی و به‌خصوص ایران، مطالعات امنیتی با ارجاع به منابع اسلامی و فرهنگ ایرانی نیز مورد توجه جدی قرار گرفته‌است. لکزایی (۱۳۹۳) در مقاله خود با عنوان "گونه‌شناسی امنیت پژوهی در علوم اسلامی" تلاش داشته‌است تا با نگاهی پسینی گونه‌شناسی مطالعات امنیت را در قالب رویکردهای دانشی در ده شاخه فلسفی، کلامی، اخلاقی، قرآنی، حدیثی، تاریخی، سیاست‌نامه‌ها، عرفانی، ادبی و فقهی بررسی نماید. همو در مقالات متعددی به تبیین دیدگاه اسلامی پیرامون امنیت پرداخته است. شاید بتوان یکی از مراجع مهم علمی برای پرداختن به مطالعات امنیتی را "فصلنامه مطالعات راهبردی" دانست که در شمارگان مختلف آن تاکنون بالغ بر ۲۵۰ مقاله علمی و پژوهشی پیرامون امنیت به چاپ رسیده‌است. رویکرد اصلی مقالات مذکور، مفهوم امنیت و مباحث مهم در حکمرانی امنیت از جمله ساختارها، سیاست‌ها، قوانین، کارگزاران، عناصر امنیت ملی و ... با ابتناء بر دیدگاه صاحب‌نظران و بررسی تطبیقی این مقوله در سایر کشورهاست. ظهور عناصر تهدیدکننده امنیت ملی در سطح روابط بین کشورها و همچنین، نقش مقوله امنیت ملی در استقرار سایر ابعاد حکمرانی (اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی) را می‌توان علت توجه بیشتر محققان نسبت به مطالعات امنیت ملی و حکمرانی امنیت در مقایسه با سایر ابعاد امنیت از جمله امنیت روانی به

شمار آورد. مرور پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که تاکنون، پژوهش مستقلی پیرامون امنیت روانی از منظر قرآن از نقطه نظر حق مشروعیت امنیت روانی و سازوکارهای تضمین اجتماعی آن از منظر فقه صورت نگرفته است؛ از این رو، مقاله حاضر در نظر دارد تا گام‌هایی را در این مسیر برداشته و تحلیلی از این مقوله به دست دهد.

### واکاوی مفهوم امنیت و امنیت روانی

امنیت در زبان عربی از ریشه "امن" است. صاحب کتاب "تاج العروس" امنیت را به عدم انتظار حالت ناپسند در زمان پیش رو معرفی کرده و اصل آن را اطمینان خاطر و از بین رفتن ترس دانسته است (واسطی، ۱۴۱۴، ۱۸: ۲۳). به رفع خوف، وحشت و اضطراب هم "امن" گفته می‌شود (مصطفوی، ۱۳۶۸، ۱: ۱۵۰). امنیت در زبان فارسی نیز به معنای ایمن شدن، در امان بودن و حالت بدون ترس است (معین، ۱۳۸۱، ۱: ۱۹۵). برای فهم بهتر امنیت، تشکیل سازه مفهومی امنیت ضروری است. تلاش برای بقا، چیزی است که در ادبیات امروز عموماً از آن به امنیت تعبیر می‌شود. حفظ بقا، وجه مشترک فهم انسان از مفهوم امنیت است که نوع بشر همواره برای تحقق آن تلاش کرده است (لک زایی، ۱۳۹۷: ۸). حفظ و صیانت از خود (در سطوح مختلف فردی، اجتماعی، ملی و ...) عنصر محوری سازه مفهومی امنیت است. پرواضح است که هرگاه سخن از حفظ و صیانت به میان می‌آید، صیانت از چه چیزی و یا چه کسی مطرح می‌شود؛ بنابراین، در سازه مفهومی امنیت، مخاطره و تهدید نیز باید لحاظ شود. از این رو، امنیت از آن دسته فرآیندهای اجتماعی نشأت می‌گیرد که مخاطرات را می‌کاهد و وضعیت عادی، پیش‌بینی‌پذیری و اطمینان متقابل را تقویت می‌کند (کلمنتس، ۱۳۸۴: ۲۸۶). بر این اساس، امنیت به معنای تلاش برای حفظ خود در برابر تهدیدات و مخاطرات است. به عبارت دیگر، امنیت به مثابه فقدان تهدید است؛ به این معنا که اساساً برای منافع انسان تهدیدی وجود نداشته باشد و یا در صورت وجود تهدید احتمالی، توانمندی و امکان مواجهه با آن وجود داشته باشد.

غایت ایجاد امنیت، دستیابی به احساس رضایت و اطمینان و البته، رفع ترس و اضطراب است. این تعریف از امنیت نسبت به جایگاه‌های مختلف افراد، ملت‌ها و جوامع، متفاوت است و زمینه‌های نسبتاً گسترده‌ای را برای مطالعات امنیت پدید می‌آورد؛ به عنوان نمونه، تلاش یک جامعه برای حفظ حاکمیت خود، تداوم بخشیدن و ارتقای آن در مقابل تهدیدات، گستره مطالعات فراوانی را در حوزه امنیت ملی فراهم می‌آورد؛ یا تلاش یک فرد در مناسبات اجتماعی برای حفظ موقعیت

اجتماعی خود و تداوم آن و دغدغه‌مندی برای کسب توانمندی برای مواجهه با تهدیدات احتمالی و متناسب با شرایط خود، گونه دیگری از مطالعات امنیتی را در حوزه مسائل اجتماعی پدید می‌آورد. در همه این موارد، پایگاه و مبدأ امنیت - در هر کدام از سطوح فردی و اجتماعی - روان انسان است. به این معنا که امنیت به مثابه ادراک ذهنی از کارآمدی و کارآیی عناصر و ابزاری است که می‌تواند در مواجهه با تهدیدهای احتمالی به کار گرفته شود؛ بنابراین، هرگونه تلاشی برای تأمین امنیت در ابعاد مختلف آن، زمانی به ثمر می‌رسد که ادراک مطمئنی از آن در پهنه ذهن و روان فرد و جامعه شکل بگیرد؛ بنابراین، عوامل و عناصری که در تولید و تثبیت امنیت نقش دارند، باید در دو سطح نسبت به انجام این کار اقدام نمایند:

۱. ایجاد زیرساخت‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری برای تولید و تثبیت امنیت همانند تولید ابزار و ادوات نظامی برای حراست از کیان جامعه در مقابل تهدیدات نظامی، احیای عناصر بومی فرهنگی و اجتماعی جامعه برای حراست از بنیان‌های هویتی جامعه در مقابل تهدیدات فرهنگی، تثبیت قدرت سیاسی حاکمیت و افزایش سطح کارآمدی آن در مقابل تهدیدات سیاسی و ...؛
۲. آگاه‌سازی، اقناع، ایجاد اعتماد در بین اقشار مختلف جامعه نسبت به کارآمدی و اثرگذاری زیرساخت‌های مذکور در سطح نخست. این سطح، در حقیقت ناظر به تأمین امنیت روانی جامعه است و بدون آن، حتی با وجود زیرساخت‌های سطح نخست، امنیت به معنای واقعی تحقق پیدا نخواهد کرد. بر این اساس، امنیت در سطح کلان و ملی و یا در سطح خرد و اجتماعی، امتداد امنیت روانی جامعه است.

بنابراین، امنیت روانی به حالتی اطلاق می‌شود که فرد در آن حالت، از تهدیدهایی که مخل آرامش و آسایش خاطر اوست، مصونیت دارد؛ حال با فقدان عناصر تهدیدکننده و یا فقدان اثرگذاری آنها. از این رو، سایر اقسام امنیت نظیر امنیت جانی، نظامی، اقتصادی و ... زمینه‌ساز امنیت روانی به شمار می‌آیند؛ زیرا فرد با فقدان یا کم‌اثر بودن عناصر تهدیدکنندگی متناسب با هر کدام از اقسام امنیت، در حالت آسایش و آرامش خاطر قرار می‌گیرد؛ به گونه‌ای که می‌تواند امورات زندگی خود را بدون هرگونه دغدغه از دست دادن آنچه در اختیار دارد (اعم از جان، مال، آبرو، موقعیت اجتماعی و ...) انجام دهد. با نظر به جایگاه امنیت روانی در بهینه‌سازی کیفیت حیات انسان می‌توان از آن به عنوان حق یاد کرد که سلب آن می‌تواند آثار جبران‌ناپذیری را به دنبال داشته باشد.

## امنیت روانی در قرآن کریم

طرح بحث از امنیت روانی در قرآن کریم را می‌توان بر دو لایه اصلی مبتنی دانست. لایه نخست، زمینه‌های تأمین امنیت روانی و لایه دوم، بازتحلیل امنیت به‌عنوان عامل موثر اجتماعی است. در این راستا، قرآن کریم با بهره‌گیری از الگوی تقابل گفتمانی، "ایمان" را زمینه‌ساز امنیت به‌معنای عام و امنیت روانی به‌معنای خاص آن معرفی نموده‌است و کفر را زمینه‌ساز عدم امنیت به‌شمار آورده‌است و به این ترتیب، جامعه ایمانی را جامعه امن و جامعه کفرآلود را ناامن معرفی کرده‌است. نگاه این چنینی قرآن به مسئله امنیت، گواه دو نکته اساسی مرتبط با این حوزه است. از منظر قرآن، ایمان علت پدیدارشدن امنیت و ایمن شدن انسان به‌شمار می‌رود<sup>۱</sup> و این بدان معناست که ایمنی و امنیت از آثار و خواص ایمان است؛ البته به شرطی که ایمان با ظلم و خروج از حد اعتدال و میانه‌وری پوشیده نشود (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۷: ۲۰۰) و چون امنیتی که ماحصل ایمان است، در این آیه به بیانی عام مورد بحث قرار گرفته‌است، شامل انواع گوناگون - اعم از امنیت از مجازات پروردگار و حوادث دردناک اجتماعی تا امنیت و آرامش روانی - می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۵: ۳۲۱). اهمیت ایمان و امنیت روانی در نزد شارع مقدس، به دلیل ارتباط مستقیم آن با نشاط روحی و هویت‌یابی افراد است (شجاعی مهر و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۸۶). البته کارآیی ایمان در گرو امتداد آن به ساحت اخلاق، رفتار و عملکرد انسان و نیز پوشانده‌نشدن آن با ظلم و عدم خروج از حد اعتدال است. همراهی ایمان و عمل صالح (بقره/۸۲؛ آل عمران/۵۷؛ فتح/۲۹؛ محمد/۱۲)، یا اشاره به مصادیق اخلاقی بعد از ذکر ایمان (بقره/۱۶۵؛ آل عمران/۱۱۸؛ طلاق/۱۱؛ ممتحنه/۱۳؛ حشر/۱۰؛ حجرات/۱۲-۱۱) و یا بیان مصادیق عملی بعد از ذکر ایمان (بقره/۱۷۷، ۲۰۸، ۲۱۸، ۲۵۴ و ۲۸۲؛ مجادله/۱۲)، در آیات مختلف قرآن، گواهی بر این معناست؛ بنابراین، مفهوم ایمان فقط منحصر در ادراکات و معرفت‌های ذهنی نیست؛ بلکه می‌توان این‌گونه بیان داشت که ایمان زمانی در قلب مستقر می‌گردد و صاحب آن را وارد در وادی امن و امنیت روانی می‌گرداند که معرفت به خداوند از طریق دوری از هرگونه ظلم، فرد را ملتزم به اقتضائات آن سازد. بارزترین وجه اقتضایی ایمان، تسلیم تمامی قوا و جوارح انسان در برابر خداوند است و تنها در این صورت است که زمینه‌های اقتضایی امنیت روانی در جامعه فراهم می‌شود.

با توجه به لایه نخست، بحث از امنیت روانی تنها در صورتی مفید است که در کنار آن، لایه دوم نیز مورد توجه قرار گیرد؛ چراکه در این حوزه، قرآن کریم امنیت را از زاویه عامل موثر اجتماعی

۱. «الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ» (انعام/۸۲)

مورد توجه قرار داده است. در حقیقت، ترکیب بحث‌های اقتضایی و آثار ناشی از فعال نمودن این اقتضا، بیانگر جایگاه حقیقی امنیت به معنای عام آن و امنیت روانی به معنای خاص کلمه در لسان شارع مقدس است.

خداوند در آیه ۵۵ سوره نور می‌فرماید: «خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، وعده داده است که حتماً آنان را در این سرزمین جانشین [خود] قرار دهد؛ همان‌گونه که کسانی را که پیش از آنان بودند، جانشین [خود] قرار داد، و آن دینی را که برایشان پسندیده است، به سودشان مستقر کند، و بیمشان را به ایمنی مبدل گرداند، [تا] مرا عبادت کنند و چیزی را با من شریک نگردانند. و هر کس پس از آن به کفر گراید، آنان اند که نافرمانند»<sup>۱</sup>. در این آیه، به سه مورد از راه‌آوردهای ایمان و عمل صالح اشاره شده است که عبارت‌اند از:

۱. استخلاف و حکومت روی زمین؛

۲. نشر آئین حق به‌طور اساسی و ریشه‌دار در همه جا؛

۳. از میان رفتن تمامی اسباب خوف و ترس و وحشت و ناامنی.

با این بیان، روشن می‌شود که یکی از مهم‌ترین آثار ایمان، تبدیل خوف به ایمنی و امنیت است؛ زیرا خوف نقطه مقابل امنیت است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۳۰۳) و بیان‌کننده حالتی از نفس است که در آن، انسان انتظار ضرر احتمالی و ظن به وقوع آن ضرر در قبال خویش را دارد (مصطفوی، ۱۳۶۸، ۳: ۱۴۶).

پیامد ابهام نسبت به آینده و خطرات احتمالی زمینه‌ساز تشویش روحی و روانی خواهد بود. بر این اساس، تبدیل خوف به امنیت به معنای قرار گرفتن انسان در حالتی خواهد بود که در آن، تمامی زمینه‌های تشویش، نگرانی و اضطراب به واسطه احتمال رویارویی با ضرر از ساحت روح و روان انسان کنار می‌رود؛ زیرا با استقرار ایمان در قلب انسان، تمامی ساحت‌های قلبی، روحی، فطری، جسمی و جوارحی انسان متأثر از آن شده و در راستای توجه تام به خداوند قرار می‌گیرند (قطب، ۱۴۲۵، ۴: ۲۵۲۹) که برخلاف سایرین، تکیه‌گاه مطمئنی از جهت تأمین مصالح و منافع انسان به شمار می‌آید. به همین علت، انسان در پرتو ایمان به خدا به جایگاه امن و امنیت دست می‌یابد؛ زیرا همواره برای خویش یک حامی مطمئن متصور است؛ اما راه‌آورد ورود انسان در وادی کفر از طریق انکار خدا و عناد با شریعت الهی (معنیه، ۱۴۲۴، ۴: ۵۵۹) خوف و ناامنی خواهد بود.

۱. «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» (نور/۵۵)



شرح سرنوشت قومی که دارای سه ویژگی امنیت، اطمینان و آرامش روحی و رزق فراوان بودند اما به دلیل کفران نعمات، خداوند بر آنها لباس گرسنگی و ترس را پوشاند،<sup>۱</sup> گویای صحت این ادعا است. بر اساس این آیه، سنت الهی بر این قرار گرفته است که خوف (ناامنی روانی) نتیجه طبیعی کفر باشد؛ همچنان که اراده الهی بر امنیت بخشی به واسطه ایمان تعلق گرفته است. از آنجا که ایمان به خداوند نقش علی در ایجاد امنیت روانی دارد، مرجع امنیت روانی، "حفظ ایمان" به خداوند و تلاش برای ارتقای آن خواهد بود. به عبارت دیگر، مرجع امنیت روانی از منظر قرآن، ایمان است؛ از این رو، گزارش‌های قرآن از تلاش انبیا و پیروان آنها برای ایمان‌آوری اقوام و افراد و مقابله با کسانی که در صدد کفر جوامع و انسان‌ها هستند، دلالت بر مشروعیت حق امنیت روانی دارد.

قرآن کریم به طرح تقابل گفتمانی کفر و ایمان و آثار امنیتی آن اکتفا ننموده و آثار اجتماعی آن بر نوع کنش شهروندان را نیز مورد توجه قرار داده است؛ چراکه مطابق با آیات قرآن، کافران آرزو می‌کنند تا اهل ایمان، دست از ایمان خویش برداشته و در مسلک کفر آنان در بیایند.<sup>۲</sup> از آنجا که مسئله خروج از ایمان و گام نهادن در وادی کفر، یک امر قلبی و درونی است و قابل تحمیل بر دیگران نیست، تنها راهی که برای تخریب ایمان دیگری و جایگزینی کفر با آن وجود دارد، اثرگذاری قلبی است که این امر جز از طریق رابطه مستمر و دوستی ظاهری محقق نمی‌گردد؛ بنابراین، در آیه شریفه، مؤمنان از اینکه کسانی از کفر را به‌عنوان دوست انتخاب کرده و رابطه ولایی و از سر محبت با هم داشته باشند، نهی شده‌اند؛ زیرا این نحو دوستی، روشی مؤثر برای خارج ساختن ایمان از قلب انسان و جایگزین ساختن آن با کفر است. نهی مذکور برای حراست از ایمان، دلیلی بر مشروعیت امنیت روانی است؛ زیرا همان‌گونه که گفته شد، نخستین ره‌آورد ایمان، امنیت روانی است و تلاش برای حفظ ایمان، در حقیقت، تلاش برای حفظ امنیت روانی نیز به شمار می‌رود.

یکی دیگر از راهبردهای کفار برای ایجاد گمراهی و زدودن ایمان از ساحت قلب مؤمنان به‌عنوان یک عامل امنیت‌زدا، راهبرد شایعه‌پراکنی است.<sup>۳</sup> در قرآن کریم آمده است که کفار با جعل خبر و شایعه‌پراکنی، امنیت روانی جامعه را تهدید کرده و زمینه را برای زدودن ایمان از صحنه قلب افراد مهیا می‌ساختند تا از این طریق، ضلالت و گمراهی را - که در اینجا سرپیچی از دستورات رسول

۱. «وَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعَمِ اللَّهِ فَأَدَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسِ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ» (نحل/۱۱۲)  
 ۲. «وَدُّوا لَوْ تُكْفِرُونَ كَمَا كَفَرُوا فَتَكُونُونَ سَوَاءً فَلَا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ أَوْلِيَاءَ حَتَّى يُهَاجَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَحُذِرْهُمْ وَ اِقْتُلُوهُمْ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَ لَا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ وُلِيًّا وَ لَا نَصِيرًا» (نساء/۸۹)  
 ۳. «وَ إِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِنَ الْأَمْنِ أَوْ الْخَوْفِ أَدَاعَوْا بِهِ وَ لَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَ إِلَى أَوْلِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ وَ لَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَتُهُ لَاتَّبَعْتُمُ الشَّيْطَانَ إِلَّا قَلِيلًا» (نساء/۸۳)

خدا(ص) است - جایگزین ایمان سازند(طباطبایی، ۱۳۹۰، ۵: ۲۱). و این بدان معنا است که میان ایمان و امنیت، رابطه‌ای دو سویه برقرار است؛ یعنی همان طور که امنیت منجر به ایمان می‌شود، ایمان نیز زمینه‌ساز امنیت خواهد بود؛ از این رو، کفار با تهدید امنیت روانی جامعه در تلاش بودند تا ایمان افراد را تضعیف نمایند. شایعه باعث می‌شود تا جامعه در ابهام فرو رود و بدین ترتیب، عزم‌های راسخ شکسته شود. در چنین حالتی، ایمان قلبی افراد ظهور عینی نیافته و از سوی آنان، گامی در راستای اقتضائات ایمانی برداشته نخواهد شد. اهمیت این امر تا جایی است که در انتهای آیه، تبعیت از شایعات کفار، به مثابه تبعیت از شیطان قلمداد شده است: «وَلَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَاتَّبَعْتُمُ الشَّيْطَانَ إِلَّا قَلِيلًا».

جمع‌بندی میان دو لایه زمینه‌ای امنیت روانی و بازتحلیل امنیت به‌عنوان عامل موثر اجتماعی در قرآن کریم، بیانگر مشروعیت این حق نزد شارع مقدس است؛ زیرا از طرفی، امنیت به‌عنوان وعده پاداش ایمان و عمل صالح مومنان معرفی شده است(نور/۵۵) و از طرفی، برهم‌زنندگان آن به شیطان نسبت داده شده‌اند(نساء/۸۳) و از برخی مصادیق نقض آن به بیماردلی تعبیر شده است که جامعه اسلامی را دچار زلزله می‌سازد<sup>۱</sup> و قلوب مومنان را با نشر دروغ‌های خود به لرزه و اضطراب می‌افکند(طیب، ۱۳۶۹، ۱۰: ۵۲۸). چنین تعبیری از قرآن کریم که جنبه سلبی امنیت روانی را مورد توجه قرار داده‌اند، در کنار تعبیر ایجابی پیش گفته، همگی گواه به رسمیت شناختن حق بهره‌مندی از امنیت روانی برای شهروندان جامعه اسلامی است؛ زیرا اگر وعده به امنیت، وعده به امری نامشروع باشد، در حقیقت، وعده به امر قبیح است؛ حال آنکه ذات الهی منزله از ارتکاب به افعال قبیح است(محمدی خراسانی، ۱۳۷۸: ۲۰۴). بدین روی، وعده به امنیت، وعده به امری مشروع به شمار می‌آید. زمانی که امنیت به‌عنوان امری مشروع محترم شناخته شد، حکم عقل و بنای عقلا در عمومیت ذی حق بودن بشر نسبت به امنیت حکمی مشروع خواهد بود؛ مگر آنکه دلیلی خاص بر خروج افراد وجود داشته باشد یا گروهی از شمولیت این استحقاق خارج شوند که این بحثی دیگر است.

## آثار اجتماعی امنیت روانی

آثار اجتماعی یک پدیده با دریافت نقش‌آفرینی آن در حوزه‌های مختلف اجتماعی قابل شناخت و ارزیابی است؛ بنابراین، حوزه‌های عمومی همچون بروکراسی‌های رسمی و اداری، روابط میان‌سازمانی

۱. «لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ الْمُنَافِقُونَ وَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَ الْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لِنُغْرِيَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا مَلْعُونِينَ أَيْنَمَا تَقِفُوا أَخَذُوا وَ قَتَلُوا تَقْتِيلًا» (احزاب/۶۱-۶۰)

نهادهای اجتماعی و روابط میان شهروندی شهروندان، از جمله حیطه‌هایی است که امنیت روانی می‌تواند در آنها بسیار تأثیر گذار باشد؛ از این رو، برای فهم تأثیر اجتماعی امنیت روانی، فهم عملکرد آن در این حیطه‌ها اهمیت و جایگاه قابل توجهی خواهد داشت. برخی از پژوهشگران با طرح این بحث از زاویه رابطه احساس امنیت و اعتماد اجتماعی در میان شهروندان، احساس امنیت در ابعاد مختلف قضایی، سیاسی، عمومی و اقتصادی را بر اعتماد اجتماعی در سه سطح بنیادین، بین فردی و تعمیم یافته موثر دانسته‌اند (باری و هزار جریبی، ۱۳۹۱: ۴۸). بنابراین و با تکیه بر داده‌های این پژوهش، می‌توان گفت که محور ارتباطات اجتماعی در تمامی حالات ذکر شده «اعتماد» است و اساسا بدون اعتماد روابط شکل نخواهد گرفت.

کاهش اعتماد اجتماعی در جامعه موجب می‌گردد که همواره نوعی ترس از برقراری رابطه و احساس ناامنی بین اعضا به وجود آید که مانع از تداوم و تقویت رابطه و کاهش همکاری و گسترش تعاملات در ابعاد مختلف جامعه خواهد شد. در این صورت، فردگرایی و به دنبال آن، منفعت طلبی در جامعه رواج می‌یابد. شاید بتوان حدیث شریف نبوی (ص) که می‌فرماید: «بدترین مردم نزد خداوند در روز قیامت کسی است که در دنیا از ترس مورد تکریم دیگران واقع شده باشد»<sup>۱</sup> (کلینی، ۱۴۰۷، ۲: ۳۲۷) را در همین راستا تفسیر نمود تا مانع از برقراری ارتباط میان شهروندان بر اساس ایجاد ترس و خوف گردد. مضاف بر این، با توجه به تعریف مبنای اخوت در فرهنگ ارتباطات اجتماعی از نگاه اسلام ضروری است تا مومنان در جامعه اسلامی با یکدیگر بر اساس اعتماد و دوستی به ایجاد و تحکیم روابط اقدام نمایند. به همین جهت است که امیرالمؤمنین می‌فرماید: «بدترین مردم کسی است که به جهت بدگمانی به دیگران اعتماد نمی‌کند و به جهت رفتار بد وی، مورد اعتماد دیگران قرار نمی‌گیرد»<sup>۲</sup> (آقا جمال خوانساری، ۱۳۶۶، ۴: ۱۷۸).

اهمیت اعتماد در روابط و پیوندهای اجتماعی به گونه‌ای است که می‌توان اعتماد را عنصر اساسی زندگی اجتماعی تلقی نمود که زمینه همکاری و تعامل را در ابعاد مختلف جامعه گسترش می‌دهد. در این صورت، افراد بدون نیاز به کنترل رسمی و بر پایه اعتماد متقابل به یکدیگر، بر روابط خود نظارت می‌کنند و امور خود را اداره می‌کنند و تنها در چنین صورتی است که افراد در جامعه احساس امنیت کرده و نظم و ثبات در جامعه حاکم می‌گردد (باستانی و همکاران، ۱۳۸۶: ۴۲). اعتماد به عنوان عنصر اصلی پیونددهنده روابط اجتماعی، خود، از مجاری هنجارهای مشترک افراد

۱. شَرُّ النَّاسِ عِنْدَ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ الَّذِينَ يُكْرَهُونَ إِتْقَانَ بَشَرِهِمْ  
 ۲. شَرُّ النَّاسِ مَنْ لَا يَتَّقِي بِأَخْذِ لِسْوَةِ ظَنِّهِ وَلَا يَتَّقِي بِهِ أَحَدٌ لِسْوَةَ فِعْلِهِ

در درون روابط متقابل در طول زمان حاصل می‌شود و نسبت به آنها نقش پسینی (معلولیت) دارد، اما در جایگاه یک امر پیشینی (علی) نیز عمل می‌کند و منجر به ظهور رفتارهای خاص اجتماعی در موقعیت‌های خاص ارتباطی نیز می‌شود. رابطه بین اعتماد و تعاملات اجتماعی، امری دوسویه است و هر کدام بر تقویت دیگری اثر می‌گذارد.

بسته به اینکه رویکرد افراد نسبت به رابطه چگونه باشد، اعتماد نیز دستخوش تغییر معنایی و شدت و ضعف خواهد بود. اگر رابطه ابزاری باشد، برای دستیابی به هدفی خاص (جنبه طریقت رابطه)، نوعی تبادل و تعامل سرد و ماهیتا حسابگرانه، فردگرا، خصومت‌زا و تضادآلود شکل خواهد گرفت. دغدغه اصلی کنش‌گران در این نوع رابطه، بیشنیه‌سازی منافع خویش است. این نوع رابطه نه تنها نمی‌تواند بستر مناسبی برای اعتماد ایجاد کند بلکه برعکس، بی‌اعتمادی را تقویت می‌کند. برخلاف رابطه ابزاری، در آن روابطی که خود رابطه، به خودی خود، هدف است (جنبه موضوعیت رابطه)، نوعاً روابطی مبتنی بر صمیمت، تعهد و اعتماد شکل می‌گیرد. روابطی که بر این اساس شکل می‌گیرد، تعهد، علاقه و احساس تعلق به جمع و اعتماد اجتماعی متقابل را ایجاد می‌نماید؛ بنابراین، این نوع از رابطه بر مبنای وابستگی عاطفی و انتقال عواطف به دیگران به ایجاد و تقویت اعتماد منجر می‌شود (چلبی، ۱۳۷۵: ۲۵۰-۲۴۹). در روابط نوع اول، آنچه که اهمیت دارد، منافع شخصی است. "انحصارگرایی" و "جلب منافع حداکثری" عناصر اصلی این نوع رابطه هستند. اما با خروج انسان از خودخواهی و توجه به الگوهای دگرخواهانه در روابط اجتماعی، زمینه برای بازتولید هنجارهای مطلوب اجتماعی مهیا خواهد شد. رویکرد ارتباطی مبتنی بر "دگرخواهی" عامل اصلی در شکل‌گیری نخستین جامعه اسلامی در مدینه بود؛ آنجا که ساکنان مدینه (انصار) خانه‌های خویش را در اختیار مسلمانان مهاجر قرار دادند و از این طریق، به اقتضای ایمانی خویش عمل نمودند: «وَالَّذِينَ تَبَوَّأُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُورِهِمْ حَاجَةً مِمَّا أُوتُوا وَيُؤْتُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَ لَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (حشر/۹).

مطابق این تحلیل، رابطه "امنیت روانی" و "اعتماد" رابطه‌ای دوسویه است. از یک سو، امنیت روانی زیرساخت شخصیتی اعتمادساز را تأمین نموده و فرد را به کنشگری فعال و دارای پیوند با اجتماع تبدیل می‌کند و از دیگر سو، اعتماد به دیگران در پرتو تعاملات اجتماعی، امنیت روانی فرد را تقویت می‌کند؛ بنابراین، فرد در موقعیت‌های ارتباطی با اطمینان نفس و بدون هراس از آینده مبهم رابطه، مبادرت به سنجش تمامی جوانب رابطه نموده و خود را در معرض آن قرار می‌دهد.

این در حالی است که افراد فاقد امنیت روانی، همواره در ترس از نتایج اقدامات خویش، از بدگمانی نسبت به دیگران رنج خواهند برد. چنین کسانی نه خود مبادرت به ارتباط با دیگران می‌نمایند و نه دیگران تمایلی به برقراری ارتباط با آنان خواهند داشت و در نتیجه، تنوع کمی و کیفی روابط آنان در حداقل ممکن باقی خواهد ماند.

"خوف" که توصیف فقدان امنیت روانی انسان است، به‌طور کلی، دستگاه محاسباتی و عقل اجتماعی انسان را دچار اختلال می‌کند و موجب بروز رفتارهای متناقض می‌گردد. قرآن کریم در توصیف حال منافقان این‌گونه بیان می‌دارد که صفات و روحیات آنان در هنگام خطر و خوف دچار دگرگونی می‌شود و از ثبات شخصیتی برخوردار نبودند. پرواضح است کسی که از ثبات شخصیت برخوردار نباشد و رفتار او قابل پیش‌بینی نباشد، دیگران به او اعتماد نخواهند کرد (احزاب/۱۹).<sup>۱</sup> از آنجا که منافقان از ایمان درستی برخوردار نیستند و تکیه‌گاه محکمی در زندگی ندارند، هنگامی که در برابر حادثه سختی قرار گیرند، کنترل خود را به کلی از دست می‌دهند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۱۷: ۲۳۶). دوگانگی شخصیتی و عدم ثبات و به تبع آن، عدم پیش‌بینی رفتار او توسط دیگران و در نتیجه، عدم تمایل به ارتباط با آنان، ناشی از این است که اراده معطوف به حق تعالی بر شخصیت آنها تسلط کامل ندارد و نیروها و انگیزه‌های درونی آنها را کنترل نمی‌کند (معن، ۱۳۸۷: ۲۱۰). دلیل این امر آن است که ایمان در قلب‌های آنان مستقر نشده است؛ هرچند که آن را در زبان اظهار کنند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۱۶: ۲۸۸).

در آیه ۵۴ سوره مائده، یکی از صفات و ویژگی‌های قومی که رابطه آن‌ها با خدا و بالعکس بر مبنای محبت ترسیم شده است، نترسیدن از ملامت گران و سرزنش‌کنندگان است.<sup>۲</sup> نداشتن خوف از نشانه‌های امنیت روانی است. از جمله راهکارهای کسانی که قصد دارند حرکت اجتماعی مؤمنین را به دلیل مغایرت با منافع خود تخطئه کرده و آن را متوقف سازند، ترساندن از عواقب و پیامدهای حرکت مؤمنانه است. با توجه به این آیه، ترساندن به دو صورت توسط آنان محقق می‌شود؛ گاهی اوقات، آنان را از اتلاف اموال و جان‌ها و مواجهه با سختی‌ها و شداوند در مسیر نصرت دین می‌ترسانند و گاهی اوقات نیز آنان را از تواضع مؤمنان در برابر دیگر مؤمنان که بهره‌چندانی از زخارف دنیا ندارند و به همین دلیل، نزد کفار از حیثیت اجتماعی پایینی برخوردار هستند

۱. «أَشْحَهُ عَلَيْكُمْ فَإِذَا جَاءَ الْخَوْفُ رَأَيْتَهُمْ عَلَى الْبَيْتِ تَدْوِرُ أَعْيُنُهُمْ كَالَّذِي يُغْشى عَلَيْهِ مِنَ الْمَوْتِ فَإِذَا ذَهَبَ الْخَوْفُ سَلَقُوكُمْ بِأَلْسِنَةٍ حِدَادٍ أَشْحَهُ عَلَى الْخَيْرِ أُولَئِكَ لَمْ يُؤْمِنُوا فَأَخِطَ اللَّهُ أَعْمَالَهُمْ وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا»  
 ۲. «بِأَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ لَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ»

و همچنین، از رفتار عزتمندانه در برابر صاحبان ثروت و عدم کرنش در برابر آنها صرفاً به دلیل برخوردار بودن از مادی و دنیوی می‌ترسانند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۵: ۳۸۵).

"حضور در صحنه‌های خطیر اجتماعی و داشتن کنش اجتماعی با محوریت نصرت دین خدا"، "رفتار متواضعانه با مؤمنان" و "رفتار عزتمندانه با کفار و صاحبان ثروت"، شاخص‌های اصلی برای افرادی است که خداوند در این آیه آنها را محبّ خود معرفی نموده است. برخوردار بودن از امنیت روانی و نهراسیدن از ملامت سرزنش‌گران، آنها را به نقطه ثابتی از رفتار و عملکرد اجتماعی ارتقا داده است که امکان ارتباطات اجتماعی را هم برای آنان و و هم برای دیگران تسهیل نموده است؛ به گونه‌ای که دیگران این برداشت را از مؤمنان دارند که رفتار آنها دارای ثبات و در موقعیت‌های مختلف اجتماعی یکسان است و بنابراین، قابل پیش‌بینی است و همین امر، امکان ایجاد اعتماد اجتماعی و در نتیجه، پیوند اجتماعی را به وجود می‌آورد؛ از این رو، امنیت روانی به این صورت در شکل‌گیری اعتماد اجتماعی مؤثر است.

اما از نقطه نظر تأثیر اعتماد اجتماعی بر امنیت روانی، باید بیان داشت که برقراری پیوندهای اجتماعی در پرتو اعتماد اجتماعی، امکان حضور فرد در شبکه‌های ارتباطی گسترده و متنوع را فراهم می‌آورد که می‌تواند در عرصه اجتماعی نقشی حمایتی را ایفا کند. احساس تعلق به یک پایگاه اجتماعی مطمئن و پایدار، امنیت روانی را پدید آورده و یا آن را تقویت می‌کند. هویت اجتماعی، اطمینان از تسهیل دستیابی به هدف، نشاط اجتماعی و انگیزه برای کنش اجتماعی، ارتقای سطح تاب‌آوری در برابر تکانه‌های اجتماعی و ... از جمله برون‌دادهای امنیت روانی است که در پرتو تعلق به یک پایگاه اجتماعی آشکار می‌شود.

با توجه به اهمیت این موضوع، در قرآن سفارش‌های گوناگونی نسبت به جمع‌گرایی و قرار گرفتن در ذیل یک امت واحد ذکر شده است. به عنوان نمونه، به منظور افزایش سطح تاب‌آوری اجتماعی در برابر تکانه‌ها و شداید اجتماعی، مؤمنان دعوت به صبر فردی، مصابره و مرابطه شده‌اند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (آل عمران/ ۲۰۰). در این آیه، علاوه بر تأکید بر صبر فردی، به حمایت اجتماعی افراد جامعه از یکدیگر در برابر شداید و سختی‌های اجتماعی، از رهگذر به اشتراک‌گذاردن توانمندی‌های خود توصیه شده است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۴: ۹۰). شکل‌گیری این شبکه اجتماعی، علاوه بر این که تاب‌آوری شخصی و اجتماعی را ارتقا می‌دهد، احساس امنیت روانی فرد و جامعه را نیز تقویت خواهد کرد.

## سازوکارهای فقهی تضمین امنیت روانی

نظام حقوق و تکالیف از جمله لوازم جدایی‌ناپذیر زندگی اجتماعی انسان‌ها است که با تکیه بر دولت مستقر (کاتوزیان، ۱۳۷۷، ۱: ۵۲۴) از زمینه‌های حمایتی مناسبی برخوردار می‌شود؛ اما این همه، بدون ضمانت اجرایی کافی، حقوق و تکالیف را بیش از آنکه به امری الزام‌آور تبدیل نماید، به‌نحوی که هرگونه تخلف از آن، هزینه‌ها و مسئولیت‌های معینی را متوجه متخلف نماید، ماهیتی اخلاقی می‌بخشد. امنیت روانی به‌عنوان حقی مشروع که در نظام حقوقی اسلام به رسمیت شناخته شده است نیز خارج از این قاعده کلی نیست و در صورتی که فاقد ضمانت اجرایی مناسب باشد، جز مفهوم‌پردازی فقهی - حقوقی صرف یا توصیه اخلاقی محض نخواهد بود. بر این اساس و با توجه به تحلیلی که برخی از اندیشمندان مسلمان از نقاط اشتراک حقوق بشر از نگاه اسلام و غرب ارائه نموده‌اند (جعفری، ۱۴۱۹: ۱۶۰) و از آنجا که ضمانت اجرایی نظام حقوق و تکالیف، درحقیقت، تضمین جایگاه کرامت انسان از نگاه شارع مقدس نیز به حساب می‌آید، ماهیت تضمین‌های پیش رو نمی‌تواند منحصر به حوزه یا عرصه‌ای خاص باشند؛ بنابراین، می‌توان با رویکردی دینی و در یک تقسیم‌بندی کلی، تضمین‌های ادعایی را به دو گروه اصلی اخروی و دنیوی تقسیم نمود که هر یک بر نظام پاداش و عقوبت خاص خویش استوارند.

## الف. ضمانت اجرای اخروی

رفتار بر اساس مصالح شرعی که با عمل به احکام شرع و امتثال اوامر الهی محقق می‌شود و ترک عمل براساس مفاسد شرعی که با اجتناب از ارتکاب مناهی الهی تحقق می‌یابد در پرتو اعتقاد شهروندان جامعه اسلامی به نظام عقاب و پاداش اخروی موجب نظام‌سازی رفتاری آنان می‌شود. این نظام‌سازی رفتاری که در پرتوی الگوی اخروی پاداش و عقاب محقق می‌شود، انسجام‌بخش و تضمین‌کننده نظام حقوق و تکالیفی است که در فقه امامیه و احکام آن وجود دارد؛ بنابراین، اگر امنیت روانی یک حق مشروع و مسجل در فقه امامیه به شمار رفته است و در برابر آن تکالیفی برعهده شهروندان قرار گرفته است، به‌عنوان جزئی از ساختار حقوقی مکتب فقهی امامیه، نمی‌تواند فارغ از تضمین اخروی مذکور در نظر گرفته شود که چه‌بسا ضمانت اجرایی آن بر اساس میزان اعتقاد شهروندان از کارایی بیشتری نسبت به سایر الگوهای تضمین‌کننده حقوق نیز برخوردار است؛ بنابراین، اینکه در ادله اجتهادی - اعم از قرآن و سنت - به گناهکاران وعده عذاب داده می‌شود

یا اطاعت کنندگان دستورات الهی به پاداش اخروی وعده داده می‌شوند (نساء/۱۴۱؛ جن/۲۳۲) همگی در همین راستا قابل تحلیل و بررسی است؛ بنابراین، همان‌طور که در تفاسیر نیز به آن اشاره شده است، خدای تعالی در این دو آیه، با ذکر ثواب بر اطاعت خدا و رسول در رعایت آن حدود و تهدید به عذاب خالد و خوارکننده در برابر نافرمانی خدا و تجاوز از آن، حدود امر آن را بزرگ داشته است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۴: ۳۳۶؛ طوسی، بی تا، ۱۰: ۱۵۸). از این رو، عمومیت ادله مجازات اخروی متمردان از اوامر و نواهی الهی، تضمین‌کننده مهمی برای حق امنیت روانی نزد متشرعان به دین اسلام خواهد بود و از این جهت می‌تواند مانعی جدی در برابر نقض حق مذکور از سوی افراد به شمار آید. به همین جهت، در لسان روایات از دنیا به دار عقوبت تعبیر شده است (مازندرانی، ۱۳۸۲، ۹: ۳۲۶-۳۲۵).

### ب. ضمانت اجرای دنیوی

هرچند که برای یک مسلمان متعهد به شریعت اسلامی، ضمانت‌های اخروی کفایت از التزام به حقوق و تکالیف شرعی می‌کند و عموم بیان ثواب و عقاب می‌تواند مانع از نقض حق روانی دیگران از سوی او باشد، اما اسباب مختلفی چون "جهل به واقع" یا "شک در امور دنیوی" یا "وسوسه‌های نفسانی زودگذر" ممکن است موجب سوء رفتار وی گردیده و او را به سوی نقض حریم امن سایر شهروندان هدایت کند؛ بنابراین، ضروری است تا وجوه تضمینی دیگری از جنس تضمین حقوقی و دنیوی، برای حراست از حق روانی شهروندان در نظام حقوقی اسلام در نظر گرفته شود. به همین جهت، شارع مقدس به تمامی ابعاد مادی و معنوی بشر در حوزه احکام و ضمانت‌های اجرایی آن توجه کرده و علاوه بر رویکردهای آخرت‌گرایانه، به تعریف مسئولیت‌های مدنی و کیفری نیز اقدام نموده است. چنین رویکردی با توجه نقش و تأثیر اجتماعی امنیت روانی از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای برخوردار می‌باشد.

### ۱. روش جزایی

یکی از روش‌های تضمین عملی احکام، روش جزایی است؛ چراکه عدم التزام به رعایت حقوق و تکالیف در نگاه شرع، جنبه کیفری به خود گرفته و موجب مجازات می‌شود. جریان قاعده "التعزیر لکل عمل محرم" و پذیرش آن از سوی مشهور فقهای امامیه (نجفی، ۱۴۰۴، ۴۱: ۴۴۸)

۱. «وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَتَعَدَّ حُدُودَهُ يُدْخِلْهُ نَارًا خَالِدًا فِيهَا وَلَهُ عَذَابٌ مُهِينٌ»  
 ۲. «إِلَّا بَلَاغًا مِنَ اللَّهِ وَرِسَالَاتِهِ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَإِنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا أَبَدًا»



دلیلی بر وجود چنین مبنایی نزد عموم اندیشمندان امامیه است. اگرچه این حکم با انتقادات و مخالفت‌هایی نیز مواجه شده است و اعتبار آن از سوی برخی دیگر از فقیهان امامیه مورد تردید قرار گرفته است (جعفری و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۶۱-۱۵۹). فقه اسلامی علاوه بر اعمال مجازات تعزیر در نقض حریم خصوصی - که رویکردی عام در فقه امامیه دارد - با تعریف مجازات‌های مقدر و مشخص ذیل عنوان حدود، سیاست جزایی خود را بر اساس کنترل و حذف مصادیق مختلف نقض حریم امنیتی شهروندان استوار نموده است. تعریف جرایمی همچون محاربه (محقق حلی، ۱۴۰۸: ۴، ۱۸۰)، بغی (طوسی، ۱۴۰۷: ۵: ۳۳۵)، قذف (نجفی، ۱۴۰۴: ۴۱: ۴۰۲)، و افساد فی الارض (هاشمی شاهرودی، ۱۴۱۹: ۲۴۰-۲۳۶) نشان‌دهنده تأکید شارع مقدس بر حفظ امنیت روانی شهروندان در جامعه اسلامی است. به‌ویژه آنکه در مفهوم‌شناختی جرایم مذکور، قیودی همچون اخافه الناس، ارجاف (همو، ۱۴۲۳: ۹: ۴۲۸) و حصن بر این مبنا مهر تأیید می‌زنند. درحقیقت، می‌توان فلسفه اصلی وضع چنین مجازات‌هایی را پیش از آنکه نفس اعمال مجازات در نظر گرفت، مجازات با هدف بازدارندگی تلقی نمود.

## ۲. روش مدنی

روش دیگری که در فقه جهت تضمین امنیت روانی شهروندان در نظر گرفته شده است، بهره‌گیری از ضمانت‌های مدنی است تا به وجه الزام‌آوری، ناقضان امنیت روانی را به جبران خسارات ناشی از عمل ارتکابیشان وادار نماید. از این روش در دانش حقوق به "مسئولیت مدنی" تعبیر می‌کنند که از جهت مبانی نظری بر قواعد فقهی اتلاف و تسبیب و ضمان (طاهری، ۱۴۱۸: ۲: ۲۲۸-۲۲۷) استوار است. بر این اساس، چنانچه نقض امنیت روانی مبتنی بر ایراد خسارت به شهروندان شود؛ مثلاً مجرم با تخریب وسایل عمومی به جرم بر ضد امنیت روانی اقدام نماید، علاوه بر جنبه‌های کیفری، ملزم به جبران خسارات ناشی از تخریب نیز خواهد بود؛ چراکه عمل او ذیل ادله الزام به جبران خسارت (هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۶: ۸۴) قابل تعریف و پیگیری است. اما این‌گونه نیست که ضمان قهری ناشی از نقض امنیت روانی فقط متوجه آثار مادی عمل مجرمانه باشد، بلکه ممکن است به سبب ایراد خسارات معنوی یا روحی، ناقض حق مذکور ملزم به جبران خسارات گردد.

## نتیجه‌گیری و پیشنهادها

امروزه، به تناسب توسعه ابعاد مختلف حیات انسان، مطالعات ابعاد امنیت نیز گسترش یافته است. تداوم زیست انسان منوط به تأمین امنیت متناسب با حیطه‌های مختلف زندگی انسان است و این

بر ضرورت مطالعات ابعاد امنیت می‌افزاید. امنیت به مثابه فقدان تهدید و یا عدم کارآمدی عناصر تهدیدکننده است و امنیت در حیطه روانی انسان به این معناست که احساس رضایت و اطمینان و البته رفع ترس و اضطراب در ساحت روانی انسان شکل بگیرد. امنیت روانی زیرساخت اساسی سایر ابعاد امنیت است؛ زیرا غایت ایجاد امنیت در تمامی ابعاد آن زمانی به ثمر می‌رسد که ادراک مطمئنی از آن در ذهن و روان فرد و جامعه شکل بگیرد.

مروری بر آموزه‌های قرآن بیانگر حق مشروعیت امنیت روانی است. این آموزه‌ها با دو رویکرد "ایجابی" و "سلبی" بر مشروعیت امنیت روانی دلالت دارند. بر اساس رویکرد ایجابی، "ایمان" نقش علی در تأمین امنیت روانی دارد و نقطه مقابل آن - یعنی کفر - موجب ایجاد خوف و ناامنی روانی می‌شود. بنابراین، مرجع امنیت روانی از منظر قرآن، ایمان است. گزارش‌های قرآن از تلاش انبیا و پیروان آنها برای ایمان‌آوری اقوام و افراد و مقابله با کسانی که در صدد رواج کفر در جوامع و انسان‌ها هستند، دلالت بر مشروعیت حق امنیت روانی دارد. از نقطه نظر رویکرد سلبی، قرآن امنیت را به عنوان وعده‌ای برای پاداش ایمان و عمل صالح معرفی کرده است و برهم‌زنندگان آن را به شیطان نسبت داده است. این تعابیر گواه به رسمیت شناختن حق بهره‌مندی از امنیت روانی برای شهروندان جامعه اسلامی است. پاس‌داشت حق امنیت روانی موجب ثبات شخصیتی و زدوده شدن ابهام در روابط اجتماعی می‌شود. این امر زمینه اعتماد اجتماعی - به عنوان عنصر اصلی در ایجاد شبکه‌های اجتماعی - را فراهم می‌کند و افراد با حضور در شبکه‌های مختلف اجتماعی و پیدایش احساس هویت اجتماعی از رهگذر آن، در چرخه بازتولید امنیت روانی قرار خواهند گرفت؛ زیرا تعلق به اجتماع و کسب هویت از آن، موجب اطمینان خاطر در فرد و زدوده شدن خوف و ترس از ساحت روانی او در موقعیت‌های مختلف اجتماعی خواهد شد.

رهیافت به آثار اجتماعی حق امنیت روانی در گرو برقراری ساختارهای حقوقی و تکلیفی به منظور تضمین پاس‌داشت آن از سوی افراد جامعه است. مروری بر آموزه‌های قرآنی و فقهی، بیانگر وجود دو نوع ضمانت اجرای اخروی و دنیوی برای تأمین حق امنیت روانی است. سازوکار عقاب و پاداش و اثر این دو در حیات اخروی انسان به عنوان ضمانت اجرای اخروی، مدّ نظر ادیان است؛ البته کارآمدی آن به دلایل مختلف از جمله امکان غفلت انسان از حیات اخروی، خدشه‌پذیر است؛ از این جهت، ضمانت اجرای دنیوی نیز در آموزه‌های فقهی در نظر گرفته شده است که به دو گونه روش جزایی و مدنی مورد بحث قرار گرفت. راهبرد اساسی وضع مجازات‌های جزایی و تأکید بر اعمال آن نسبت به برهم‌زنندگان امنیت روانی و همچنین، جبران خسارت در روش مدنی بیانگر نقش

بازدارنده این مجازات نسبت به اراده‌هایی است که می‌توانند برای برهم‌زدن امنیت روانی جامعه تحقق پیدا کنند. در زیر پیشنهادهایی جهت بهره‌گیری دست‌اندرکاران مطرح گردیده‌است.

۱. ایجاد سازوکار مناسب برای پیوست‌نگاری در حوزه امنیت روانی در ابعاد مختلف حکمرانی با عنایت به گستردگی ارتباطات اجتماعی در سطح فضای مجازی و امکان ایجاد اخلال در امنیت روانی جامعه؛

۲. ایجاد ساختارهای قانونی به‌منظور فرهنگ‌سازی و جلب مشارکت‌های مردمی با هدف پاس‌داشت و صیانت از امنیت روانی بر اساس تلاش برای سالم‌سازی روابط اجتماعی؛

۳. ایجاد ساختارهای قانونی برای شناسایی مصادیق محلّ امنیت روانی جامعه و برخورد قاطع با اخلال‌گران امنیت روانی؛

۴. تبیین ظرفیت‌های ناپیدای فقه امامیه در تأمین امنیت روانی از نقطه‌نظر سازوکارهای بازدارنده احکام و قوانین جزایی و مدنی.

### فهرست منابع

- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۳۸۱)، تحف العقول، ترجمه بهراد جعفری، تهران، دارالکتب الاسلامیه

- امامی، سیدحسن (۱۳۶۰)، حقوق مدنی، تهران، گنج دانش

- باستانی، سوسن؛ کمالی، افسانه؛ صالحی، مریم (۱۳۸۶)، "سرمایه اجتماعی شبکه و اعتماد متقابل بین شخصی"، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، سال شانزدهم، شماره ۶۱، صص ۸۱-۴۱

- بجنوردی، سیدحسن بن آقا بزرگ (۱۴۱۹ق)، القواعد الفقهیة، قم، نشر الهادی

- جعفری، محمدتقی (۱۴۱۹ق)، رسائل فقهی، تهران، مؤسسه منشورات کرامت

- جعفری، حسین؛ رجایی پور، مصطفی؛ دلاور، غلامحسین (۱۳۹۶)، "درنگی فقهی در قلمروی قاعده فقهی التعزیر لکل عمل المحرم"، جستارهای فقهی اصولی، سال سوم، شماره ۹، صص

۱۴۱-۱۶۵

- چلبی، مسعود (۱۳۷۵)، جامعه‌شناسی نظم، تحلیل و تشریح نظری نظم اجتماعی، تهران، نشر نی

- حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۴ق)، قواعد الاحکام فی معرفه الحلال و الحرام، قم، دفتر انتشارات

اسلامی وابسته به جامعه مدرسین

- حلی، مقداد بن عبدالله سیوری (۱۴۲۵ق)، کنزالعرفان فی فقه القرآن، قم، انتشارات مرتضوی

- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲)، مفردات الفاظ القرآن، دمشق، دارالقلم
- سبزواری، محمد (۱۴۱۹ق)، ارشاد الادهان الی تفسیر القرآن، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات
- شجاعی مهر، پروانه؛ مومنی، خدامراد؛ کرمی، جهانگیر (۱۳۹۹)، "رابطه امنیت روانی، حمایت اجتماعی و تاب‌آوری با بروز اختلال تنیدگی پس از سانحه"، روانشناسی، سال بیست و سوم، شماره ۹۴، صص ۱۸۴-۱۹۹
- طاهری، حبیب‌اله (۱۴۱۸ق)، مسئولیت مدنی، قم، جامعه مدرسین قم
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۰)، میزان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات
- طبرسی، فضل بن حسن (بی‌تا)، مجمع البیان، ترجمه حسین و همکاران نوری همدانی، تهران، فراهانی
- طیب، عبدالحسین (۱۳۶۹)، اطیب البیان فی تفسیر القرآن (نسخه دوم)، تهران، اسلام
- عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه (۱۴۱۵ق)، نور الثقلین، قم، انتشارات اسماعیلیان
- قطب الدین راوندی، سعید بن عبدالله (۱۴۰۵ق)، فقه القرآن (لراوندی)، قم، انتشارات آیة الله مرعشی نجفی
- قطب، سید (۱۴۲۵)، فی ظلال القرآن، بیروت، دارالشروق
- کزکی جبل عاملی (محقق کرکی)، علی بن حسین (۱۴۱۴ق)، جامع المقاصد فی شرح القواعد، قم، موسسه آل‌البیت (ع)
- کلمنتس، کوین (۱۳۸۴)، به سوی جامعه‌شناسی امنیت، مترجم: محمد علی قاسمی، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال هشتم، شماره ۲، صص ۳۱۰-۲۸۱
- لکزایی، نجف (۱۳۹۴)، گونه‌شناسی امنیت پژوهی در علوم اسلامی، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال هجدهم، شماره ۴، صص ۲۲-۸
- مازندرانی، محمد صالح بن احمد (۱۳۸۲ق)، شرح الکافی الاصول و الروضه للمولی صالح المازندرانی، تهران، المكتبة الاسلامیه
- مجلسی، محمدباقر بن محمد تقی (۱۳۶۲)، حدود قصاص و دیات مجلسی، تهران، موسسه نشر آثار اسلامی
- محمدی خراسانی، علی (۱۳۷۸)، شرح کشف المراد، قم، دارالفکر
- مرعشی نجفی، سید شهاب الدین (۱۴۱۵ق)، القصاص علی ضوء القرآن و السنه، قم، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی
- مصطفوی، حسن (۱۳۶۸)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

- مطهری، مرتضی (۱۳۹۰)، مجموعه آثار، قم، صدرا
- معن، حسن (۱۳۸۷)، تربیت توحیدی و نقش آن در پی‌ریزی شخصیت اسلامی، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی
- معین، محمد (۱۳۸۱)، فرهنگ معین (نسخه چهارم) تهران، انتشارات ادنا: کتاب راه نو
- مغنیه، محمد جواد (۱۴۲۴ق)، التفسیر الکاشف، قم، دارالکتب الاسلامیه
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱)، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه
- نائینی، میرزا محمد حسین غروی (۱۴۲۴ق)، تنبیه الأمه و تنزیه المله، قم، دفتر تبلیغات اسلامی
- نجفی، محمد حسن (۱۴۰۴ق)، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، بیروت، دار احیاء التراث العربی
- واسطی، محب‌الدین (۱۴۱۴ق)، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت، دارالفکر
- هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۴۱۹ق)، بایسته‌های فقه جزا، تهران، نشر میزان
- \_\_\_\_\_، (۱۴۲۳ق)، موسوعه الفقه الاسلامی طبق المذهب اهل البيت (ع)، قم، موسسه دائره المعارف فقه اسلامی
- \_\_\_\_\_، (۱۳۹۷)، امنیت از دیدگاه ابن خلدون، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال بیست و یکم، شماره ۲، صص ۳۱-۸